

## آینده ترویج و روندهای آن؛ یک فراتحلیل

مصطفی احمدوند\*، مریم شریف زاده\*\*، منصور شاه ولی\*\*\*

### چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی روندها و جهت گیری های آینده ترویج کشاورزی در جهان به طور اعم و در ایران به طور اخص انجام شده است و برای این منظور از تحقیق توصیفی<sup>(۱)</sup> و فن فراتحلیل<sup>(۲)</sup> استفاده شده است. از نظر سازماندهی و تشکیلات باید بر خصوصی سازی<sup>(۳)</sup>، تجدید ساختار<sup>(۴)</sup> و تمرکززدایی<sup>(۵)</sup> تأکید شود. ترویج و آموزش کشاورزی باید ماهیتی ارتباطی\_اطلاعاتی داشته باشد و هدفش تلاش جهت جهانی شدن کشاورزی، تجاری شدن کشاورزی، بالابردن بهره وری کشاورزی، توانمندسازی و مهیاسازی کشاورزان و بهره برداران، و تسهیل مشارکت گروه های محلی و تشکل های غیردولتی در برنامه های توسعه باشد. گروه ها و تشکل های غیردولتی و تشکل های محلی نقش ارباب رجوع را در ترویج و آموزش کشاورزی ایفا می کنند و ابزار ترویج در این زمان شبکه های اطلاعاتی و اطلاع رسانی است. در ایران نیز به نظر می رسد باید بخش دولتی ترویج کشاورزی را کوچک کرد و بسیاری از فعالیت ها و خدمات را به بخش های مختلف دیگر واگذار نمود و نیز روند تجدید ساختار را در پیش گرفت. پیشنهاد می شود ترویج کشاورزی در ایران به دو بخش دولتی (عمومی) و خصوصی تقسیم شود و بخش های دولتی به کشاورزان خرده پا و کوچک و بخش های خصوصی به کشاورزان بزرگ مالک اختصاص یابد و یا از ترکیبی از چند روند استفاده شود.

**کلید واژه ها: ترویج کشاورزی / توسعه کشاورزی / کشاورزی**

---

\* دانشجوی دکترای کشاورزی

\*\* کارشناس ارشد ترویج

\*\*\* دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

**مقدمه**

فناوری، علم، کشاورزی، دولت و به‌طور کلی همه چیز در حال تغییر است. این تغییرات در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فنی بی‌تردید بر روی مؤسسات ترویجی نیز اثر می‌گذارند و آنها را متحول می‌کنند<sup>(۶)</sup>. به‌علاوه، مدیریت مزرعه و کشاورزی در روستاها نیز دچار تغییرات شتابانی گردیده است، که این امر نیز به نوبه خود بر ترویج کشاورزی اثر می‌گذارد زیرا ترویج با جمعیت متنوع‌تر و نامتجانس‌تری روبه‌رو می‌گردد.

همچنان که ما به‌سوی آینده حرکت می‌کنیم، زارعان، روستاییان و مروجان نیز برای رشد و ترقی و بقا در فرایند کار باید تلاش و کوشش بیشتری را از خود نشان دهند. کشوری که بتواند تولیدکنندگان را سریع‌تر و مؤثرتر به فناوری‌های کم‌هزینه و مهارت‌های مفید مجهز سازد، موفقیت بیشتری کسب خواهد کرد. بدین منظور، عواملی نظیر وجود ارتباطات مناسب، مؤثر بودن هزینه‌ها، و کارایی بیشتر، مسئولیت‌پذیری، و پاسخگویی ترویج کشاورزی اهمیت راهبردی پیدا می‌کنند. الگوهای پیشین ترویج را به‌دلیل یکطرفه بودن و عدم تمرکز لازم باید کنار گذاشت، همچنین نظام‌ها و رهیافت‌هایی نظیر نظام آموزش و دیدار که تنها سعی در افزایش تولید دارند، به دلیل عدم توجه به مشارکت و استفاده از نظام بالا به پایین، در حال حاضر چندان ثمربخش و کارآمد نیستند، بنابراین معضلات پیش روی ترویج را باید در قالبی نظام‌مند مورد تعمق قرار داد<sup>(۷)</sup>.

**مشکلات و تنگنای آتی ترویج کشاورزی**

ترویج کشاورزی در دهه‌های آتی برای ارائه فعالیت‌های خدماتی و مشاوره‌ای خود با چالش‌ها، مشکلات و تنگنای عدیده‌ای روبه‌رو است که عدم توجه کافی و وافی بدان، ترویج کشاورزی و فعالیت‌های آن را به بن بست و رکود خواهد کشانید. موارد زیر از آن جمله‌اند:

### ۱- تنگناهای اقتصادی- مالی

امروزه بحث از جهانی شدن و جهانی‌اندیشی در تمامی مقوله‌های زندگی بشری مطرح است و مسائل مهمی نظیر ضرورت پیوستن به سازمان تجارت جهانی به موضوعی متداول تبدیل شده است. جهانی شدن و پیوستن به اقتصاد و تجارت باز، ترویج کشاورزی را دچار چالش‌های فراوانی کرده است که از مهم‌ترین آنها بحران مالی و اقتصادی ترویج کشاورزی است. در تجارت جهانی، به دلیل وجود جو رقابتی، حمایت‌های مراکز دولتی از ترویج به خصوص ترویج دولتی کاهش می‌یابد، و این امر موجبات بروز مشکلات عدیده‌ای را فراهم می‌آورد. در تجارت آزاد معمولاً ترویج خصوصی جایگزین ترویج عمومی (دولتی) می‌شود. در نتیجه، دولت به جای ترویج دولتی از ترویج خصوصی حمایت می‌کند و این امر موجب بروز بحران‌های اقتصادی و مالی در ترویج می‌شود<sup>(۸)</sup>.

### ۲- بحران اثربخشی و بهره‌وری فعالیت‌ها

به‌طور کلی زمانی که برای برنامه‌های مشاوره‌ای و ترویجی سرمایه‌گذاری می‌شود، به دنبال آن بازده این فعالیت‌ها نیز باید مشخص شود. اما اگر هدف، بررسی اثر مشخص ترویج باشد، از آنجا که بهره‌وری حاصل شده تنها به ترویج بستگی ندارد بلکه عوامل پیچیده‌ای در آن دخیل‌اند، بررسی بهره‌وری فعالیت‌های ترویج با خطا مواجه خواهد شد. یکی از مشکلات ارزیابی آثار ترویج پویایی فرآیند توسعه است که ترویج را در بسیاری از کشورها با مشکل مواجه ساخته است. بنابراین، امروزه به دلیل ماهیت فعالیت‌های مشاوره‌ای و ترویجی، و تفکیک‌ناپذیری آن از دیگر فعالیت‌های کشاورزی که منجر به بهره‌وری و توسعه کشاورزی می‌شوند، نمی‌توان سهم ترویج کشاورزی در بهره‌وری و توسعه کشاورزی را دقیقاً مشخص کرد. این امر موجب شده است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، ترویج کشاورزی را اثربخش ندانند و برای این نوع فعالیت‌ها جایگاهی در بهره‌وری کشاورزی قائل نشوند<sup>(۹)</sup>.

### ۳- بحران مبانی نظری

یکی از مشکلات مهم ترویج کشاورزی در جهان و در ایران، نبود مبانی نظری پویا، ساختارمند و مطابق با اصول علمی در این زمینه است. ضعف مکتب فکری و مبانی نظری ترویج کشاورزی باعث شده است که ترویج همه چیز باشد و هیچ نباشد، بدین معنا که هر وظیفه و فعالیتی را بر دوش ترویج قرار داده و آن را در هاله‌ای از ابهام فرو برده‌اند. متخصص ترویج کشاورزی گاه با این سؤال مواجه می‌شود که آیا فعالیتی که انجام می‌دهد واقعاً ترویجی است؟ شاید بسیاری از فعالیت‌های صورت گرفته ترویجی نباشد. از مهم‌ترین دلایل این چندگانگی و سردرگمی به مبانی نظری ترویج و آموزش کشاورزی برمی‌گردد. امروزه یکی از مشکلات ترویج این است که فاقد مبانی نظری، شرح وظایف، اهداف و... مختص به خود است و فعالیت‌های آن غالباً بر اساس سلايق افراد انجام می‌پذیرد. وجود مبانی نظری و مدل‌های جدید برای توجیه فعالیت‌های ترویجی و مشاوره‌ای یک ضرورت است.

### ۴- مشکلات و معضلات زیست محیطی

جهان امروز با بحران‌های زیست محیطی فراوانی از جمله آلودگی‌های منابع آبی و خاکی، تخریب جنگل‌ها و مراتع، سوراخ شدن لایه ازن، گرم شدن تدریجی زمین و... روبه‌رو است. لازمه کاهش و یا تعدیل بحران‌های زیست محیطی توجه به مقوله پایداری و توسعه پایدار است. در سال‌های اخیر، این مهم بر عهده بخش ترویج و آموزش کشاورزی گذاشته شده است تا در جهت آموزش بهره‌برداران و کشاورزان و ارائه خدمات مشاوره‌ای به آنها در زمینه پایداری و استفاده بهینه از منابع طبیعی گام بردارد. از سوی دیگر، سالانه میلیون‌ها نفر به جمعیت جهان افزوده می‌شود و بحران‌های تغذیه و امنیت غذایی بشر را به استفاده بی‌رویه و هرچه بیشتر از منابع طبیعی ترغیب می‌کند. در چنین برهه‌ای، ترویج دچار سرگردانی شده است<sup>(۱۰)</sup>.

#### ۵- بحران مشروعیت

در گذشته به علت کمبود منابع اطلاعاتی و فناوری‌های ارتباطی-اطلاعاتی، مروجان و به عبارتی ترویج و آموزش کشاورزی یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی کشاورزی برای کشاورزان و بهره‌برداران محسوب می‌شد. در عصر حاضر که آن را عصر اطلاعات و ارتباطات می‌نامند، با برخورداری از منابع گسترده ارتباطی و اطلاعاتی، نقش ترویج کمرنگ‌تر شده است. مطالعات نشان می‌دهد که کشاورزان و بهره‌برداران کشاورزی نسبت به فعالیت‌ها و خدمات ترویجی نظر منفی دارند و ترویج در بین کشاورزان و بهره‌برداران جایگاه خود را به عنوان منبع اطلاعاتی معتبر از دست داده است. بنابراین، بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و حتی کشاورزان، وجود ترویج کشاورزی و بقای آن را غیرلازم و فاقد مشروعیت می‌دانند<sup>(۱۱)</sup>.

#### روش پژوهش

تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی و فراتحلیلی است. آینده ترویج کشاورزی به شکل فراتحلیلی مورد کندوکاو قرار گرفته است، بدین مفهوم که در بدو امر کلیه مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در مورد آینده ترویج جمع‌آوری شده و پس از بررسی تحلیل شده است. اصولاً فراتحلیل به مطالعاتی اطلاق می‌شود که به صورت کتابخانه‌ای انجام می‌گیرند و با بررسی منابع موجود، تحلیلی بر یافته‌ها و دیدگاه‌ها به عمل می‌آید و نتایج جدید و بدیلی استخراج می‌گردد که حاصل تجمیع استنتاج‌های مطالعات گذشته است.

#### اهداف تحقیق

##### هدف کلی

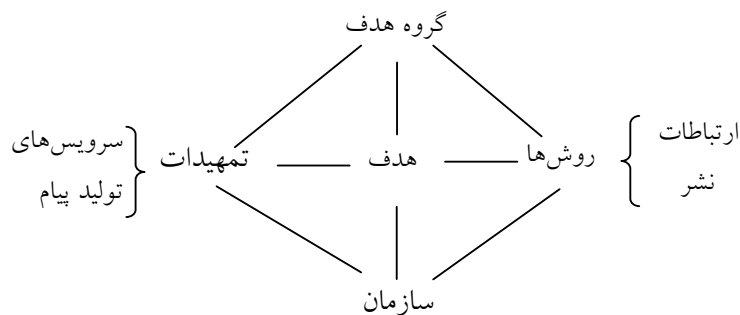
هدف کلی این تحقیق، بررسی روندهای ترویج و آموزش کشاورزی در آینده است.

### اهداف اختصاصی

- بررسی روند آتی ترویج کشاورزی در زمینه ساختار و تشکیلات سازمانی
- بررسی روند آتی ترویج کشاورزی در زمینه روش های ترویجی
- بررسی روند آتی ترویج کشاورزی در زمینه اهداف ترویج
- بررسی روند آتی ترویج کشاورزی در زمینه گروه هدف
- بررسی روند آتی ترویج کشاورزی در زمینه تمهیدات و تدارکات

### عناصر اصلی فرایند ترویج

صاحب نظران و متخصصان علوم ترویج و آموزش کشاورزی، ابعاد و روندهای مختلفی را برای ترویج و آموزش کشاورزی متصور شده اند. در این قسمت، به منظور درک بهتر روندهای مذکور، هر یک از عناصر اصلی ترویج مورد توجه قرار گرفته و سپس روند عنصر مورد نظر بررسی می شود. هر نظام ترویج کشاورزی دارای عناصری اساسی است. عناصر عمده فرایند ترویج و ارتباط بین آنها را می توان در قالب یک نظام پیوسته نشان داد.



نگاره ۱- عناصر عمده در نظام ترویج کشاورزی

منبع: Roling, 1982

### گروه‌های هدف

بسیاری از سازمان‌ها در دستیابی به ارباب رجوع، مخاطبان یا بازار ناهمگون برای ارائه آنچه باید انتقال یابد، با مشکلاتی مواجه هستند. محصول، پیام یا خدمات، موادی هستند که باید ارائه شوند. این قبیل سازمان‌ها شامل سازمان‌های تجاری، صنعتی، ... و سازمان‌های خدماتی نظیر ترویج می‌شوند. راهبردهای مختلفی برای مواجهه با این مشکلات مطرح شده است و برخی توجه خود را به راه‌حل‌های تجاری و ترویجی معطوف کرده‌اند. اصولاً بزرگ‌ترین دستاورد کارهای تجاری، توسعه کارهای هدف‌مدار است. ترویج یک مشکل قدیمی دارد و آن، خدمت‌رسانی به توده وسیعی از مخاطبان ناهمگون است. کشاورزان هدف ترویج، عملکرد متفاوتی دارند و گروه‌های دیرپذیر، گروه‌های زودپذیر، نوآوران، و رهبران فکری را شامل می‌شوند. تلاش‌های توسعه کشاورزی غالباً به افزایش اختلافات دامن می‌زند<sup>(۱۲)</sup>. اگر تولید مواد غذایی برای کشور یا صادرات هدف باشد، این راهبرد مشکلی ایجاد نمی‌کند. اما اگر سایر اهداف نظیر افزایش درآمد برای گروهی از تولیدکنندگان کشاورزی مدنظر باشد، راهبرد سنتی ترویج کفایت نمی‌کند. بیشتر مدیران و مروجان ترویج بر اساس نظریهٔ رسانش نوآوری تربیت شده‌اند و عقیده دارند که کشاورزان بزرگ برای پیام‌های ترویجی مناسب نیستند، چراکه دارای زمین، امکانات و... بیشتر و بهتری هستند. امروزه انتشار نوآوری از کشاورزان بزرگ مقیاس به کوچک مقیاس انتظاری بی‌معنی است. در کل، نوآوری‌ها در بین گروهی از افراد نشر می‌یابد که در دسترسی به امکانات شبیه هم باشند. بحث راجع به گروه‌های هدف توسعه کشاورزی بدون توجه به نیازهای طبقات مختلف (شامل زنان روستایی، جوانان و...) ناقص است.

### تمهیدات ترویج

تمهیدات ممکن است شامل اطلاعات، کالا و خدمات باشد. غالباً ترویج به ارائه مشاوره، توصیه‌ها، و آموزش محدود می‌شود، و توزیع کالا و خدمات به دیگر ادارات و شرکت‌های تجاری واگذار می‌گردد.

به‌عنوان مثال، در رهیافت «کالا» کلیه تمهیدات ضروری در اختیار تولیدکننده کشاورزی قرار می‌گیرد تا در هر مؤسسه اقتصادی خاص و متناسب به‌کار گرفته شود. در این رهیافت، اطلاعات، بذر، کود، و اعتبارات به اندازه کافی به‌صورت بسته‌هایی در اختیار کشاورز قرار می‌گیرد. رهیافت کالا ترویج بر آن است تا تمهیدات جامعی را فراهم سازد تا از آن طریق، تغییر رفتار را ایجاد نماید.

### روش‌های ترویجی

یکی از پیشرفت‌های مهمی که در روش‌های ترویجی اخیراً به‌طور سریعی بین نظام‌های ترویج ملی رخ داده است، نظام آموزش و دیدار<sup>(۱۳)</sup> است که بر آرایش بهتر کارکنان میدانی تأکید می‌کند. نظام آموزش و دیدار در تلاش است تا میزان اثربخشی منابع ترویجی موجود را افزایش دهد و برای این کار از آرایش نظام‌مند و آموزش ضمن خدمت کارکنان میدانی استفاده می‌کند. در این روش، برنامه منظمی برای ملاقات مروجان با کشاورزان مرتبط وجود دارد که جلسات آموزش ضمن خدمت توسط کارشناس موضوعی ترویج در آن گنجانیده شده است. در این نظام بر اشاعه دانش کشاورزان به سایر کشاورزان تأکید می‌شود<sup>(۱۴)</sup>.

سؤالی که مطرح می‌گردد این است که آیا این روش جایگزین به مفهوم دستیابی به تولیدکنندگان کشاورزی است؟ در این روش، کشاورزان مرتبط مهم هستند و از آنها انتظار می‌رود که دانش را با نظم‌دهی و نهادینه کردن به دیگران منتقل کنند. تأسیس گروه‌های طبیعی کوچک یا سازمان اجتماعی محلی، شرط لازم برای دستیابی به توده مردم روستایی است، زمینه گسترش فعالیت‌های ترویجی را فراهم



می‌آورد، و راه‌های مشارکت را به منظور افزایش خدمات دولتی مناسب ایجاد می‌کند.

### سازمان ترویج

پیامدهای سازمانی و نهادی این مباحث همانا وقوع تحول در تعادل و توازن کارگزاران حرفه‌ای ترویج در بخش توسعه روستایی است به نحوی که مروجان نیز در کنار برنامه‌ریزان، متخصصان کشاورزی و مهندسان حضور داشته باشند. البته همه مروجانی که به‌طور تاریخی در امور توسعه شرکت دارند، در حال تجربه تحولات اساسی در دیدگاه‌های حرفه‌ای خود هستند.

چنانچه هدف ترویج استفاده از مازاد محصولات روستایی برای توسعه شهری باشد، و اگر ابزار عمده ترویج، شکل قوانین و مقررات به خود بگیرد به گونه‌ای که به جای حل مسئله و تشویق و ترغیب از آن قوانین و مقررات استفاده شود، در آن صورت سازمان ترویج شکل دیوانسالارانه یا سلسله‌مراتبی به خود می‌گیرد و کارکنان میدانی دیگر هیچ‌گونه شباهتی به افراد روستایی نخواهند داشت. این امر فعالیت‌های سازمان ترویج را بی‌نتیجه خواهد گذاشت. سازمان ترویج باید<sup>(۱۵)</sup>:

- قادر به شناسایی گروه‌های هدف همگن مناسبی باشد.
- قادر به ارزیابی درست نیازمندی‌ها و ظرفیت‌های گروه هدف باشد.
- اجازه مشارکت و یا کنترل به گروه‌های هدف محلی بدهد.
- قادر به کمک به گروه‌های هدف برای توسعه سازمان‌های اجتماعات محلی باشد.
- تحت شرایط عدم وجود دستورات هماهنگ قادر به اتخاذ تصمیم سریع در مورد عناصر نظام کاربرد دانش کشاورزی باشد.
- به منبعی از ظرفیت‌های مناسب حل مسئله دسترسی داشته باشد تا بتواند بر انواع مشکلات بزرگ فائق آید.

— قادر به رسیدگی به گروه‌های هدفی باشد که در دسترسی به آنها مشکل دارد (مانند زنان روستایی، جوانان و...).

تجربه نشان داده است که خصوصاً در شرایط نابرابری اجتماعی، ترویج به وسیلهٔ نخبگان محلی و کشاورزان برخوردار کنترل می‌شود. آنها درخواست‌های آموزشی و ترویجی خود را بر مراکز ترویجی و خدماتی تحمیل می‌کنند و کارشناسان ترویج و کشاورزی نیز ترجیح می‌دهند بیشتر به نیازهای آنان توجه نمایند. بنابراین، باید برای به دست گرفتن کنترل توسط کشاورزان کوچک‌تر، به طور سازماندهی شده تلاش کرد. سازمان ترویج همچنین نیازمند رویه‌هایی برای تصمیم‌گیری است تا کشاورزان محلی بتوانند پاسخگوی مشارکت خود باشند.

حال که عناصر اصلی نظام ترویج کشاورزی توصیف شد، در این بخش از مقاله با توجه به عناصر مذکور دیدگاه‌ها و نظریات محققان در مورد آیندهٔ ترویج و آموزش کشاورزی بررسی می‌شود. نتایج نهایی حاصل از این مطالعات در جدول ۱ آمده است.

### آیندهٔ ترویج از دیدگاه صاحب‌نظران

#### هدف

دشدر بیان می‌دارد که در ترویج و آموزش کشاورزی باید ارتباطات و اطلاع‌رسانی را مورد توجه قرار دهیم<sup>(۱۶)</sup>. هاریمن و داوگرتی نیز معتقدند که باید به ارتباطات و اطلاع‌رسانی به عنوان اهداف ترویج و آموزش کشاورزی بنگریم<sup>(۱۷)</sup>. فارینگتون نیز ارتباطات و اطلاع‌رسانی را یکی از اهداف ترویج و آموزش کشاورزی می‌داند<sup>(۱۸)</sup>. پیکوتو و آندرسون<sup>(۱۹)</sup>، کرکا<sup>(۲۰)</sup>، و جونز و گارفورث<sup>(۲۱)</sup> نیز چنین اعتقادی دارند. بنابراین، ترویج کشاورزی برای بقای خود باید استفاده از ارتباطات و اطلاع‌رسانی را سرلوحهٔ برنامه‌های خدماتی و مشاوره‌ای خود قرار دهد<sup>(۲۲)</sup>.

برخی معتقدند که مهم‌ترین زمینه‌های تحول ترویج کشاورزی در آینده عبارت‌اند از: کسب اطلاع و آگاهی بیشتر در زمینهٔ تولیدات کشاورزی، درآمد روستاییان و

پایداری محیط‌زیست، و نیز استفاده بیشتر از منابع جامع اطلاعاتی همچون اطلاعات بین‌المللی و دانش بومی<sup>(۳۳)</sup>. از این رو، سازماندهی اطلاعاتی و ارتباطاتی باید بیش از پیش در ترویج مورد توجه قرار گیرد<sup>(۳۴)</sup>. علاوه بر این، در بعد هدف، شاه‌ولی و یوسفی‌نژاد<sup>(۳۵)</sup> و در جایی دیگر شاه‌ولی و منفرد<sup>(۳۶)</sup> مهیاسازی و توانمندسازی را در آینده ترویج و آموزش کشاورزی لازم و مؤثر می‌دانند.

### گروه‌های هدف

گروه هدف یکی از مهم‌ترین اجزای تشکیلاتی ترویج و آموزش کشاورزی است. فارینگتون معتقد است که در آینده ترویج دیگر در خدمت گروه‌های هدف با مالکیت کلان و کشاورزان پیشرو نیست، بلکه مشارکت گروه‌های محلی در تمام برنامه‌های ترویجی مورد توجه است<sup>(۳۷)</sup>. در آینده این شکل‌های غیر دولتی و محلی کشاورزان است که ترویج بدان‌ها خدمت می‌کند. بنابراین، در تقویت هرچه بیشتر شکل‌های مذکور باید تلاش کرد. مهم‌ترین زمینه‌های تحول ترویج کشاورزی در آینده، مشارکت و دخالت بیشتر کشاورزان و روستاییان در طراحی و اجرای برنامه‌های ترویجی است<sup>(۳۸)</sup>. فارینگتون مشارکت کشاورزان در برنامه‌های مشاوره‌ای و خدماتی ترویج و به‌کارگیری گروه‌های محلی و شکل‌های غیردولتی را از مهم‌ترین رویکردهای ترویج کشاورزی در آینده می‌داند<sup>(۳۹)</sup>.

استتتیل و پین، تسهیل‌کنندگی و تقویت شکل‌های کشاورزان و نهادهای غیردولتی را برای آینده ترویج و آموزش کشاورزی لازم و ضروری می‌دانند<sup>(۳۰)</sup>. کورنیش تسهیلگری را از عمده‌ترین راهکارهای ترویج در قرن بیست و یکم قلمداد می‌کند<sup>(۳۱)</sup>.

شاه‌ولی و یوسفی‌نژاد<sup>(۳۲)</sup> مشارکت روستاییان در برنامه‌ها را در آینده ترویج و آموزش کشاورزی مؤثر می‌دانند.

### تمهیدات ترویج

همان‌طور که پیش از این گفته شده برخی معتقدند که مهم‌ترین زمینه‌های تحول ترویج کشاورزی در آینده عبارت‌اند از: کسب اطلاع و آگاهی بیشتر در زمینه تولیدات کشاورزی، درآمد روستاییان و پایداری محیط‌زیست، و نیز استفاده بیشتر از منابع جامع اطلاعاتی همچون اطلاعات بین‌المللی و دانش بومی<sup>(۳۳)</sup>. هاریمن و داوگرتی نیز معتقدند که ارتباطات و اطلاع‌رسانی را باید به‌عنوان تمهیدات ترویج و آموزش کشاورزی مورد توجه قرار داد<sup>(۳۴)</sup>. شاه‌ولی و یوسفی‌نژاد<sup>(۳۵)</sup> و در جایی دیگر شاه‌ولی و منفرد<sup>(۳۶)</sup> ارتباطات، اطلاع‌رسانی و مشارکت را در آینده ترویج و آموزش کشاورزی مؤثر می‌دانند.

### روش‌های ترویجی

تسهیلگری باید در آینده ترویج و آموزش کشاورزی لحاظ شود<sup>(۳۷)</sup>. مروجان کشاورزی برای بقای خود باید در آینده به صورت یک تسهیلگر عمل کنند و به بهبود وضعیت تشکل‌ها و تعاونی‌های کشاورزان کمک نمایند. برخی بر این باورند که مهم‌ترین زمینه‌های تحول ترویج کشاورزی در آینده عبارت‌اند از: مشارکت و دخالت بیشتر کشاورزان و روستاییان در طراحی و اجرای برنامه‌های ترویجی؛ استفاده بیشتر از منابع جامع اطلاعاتی همچون اطلاعات بین‌المللی و دانش بومی؛ استفاده از مجراهای فناوری متنوع به منظور افزایش اثربخشی ترویج؛ و ایجاد هماهنگی بین بخش دولتی و بخش خصوصی<sup>(۳۸)</sup>.

فارینگتون افزایش مشارکت کشاورزان در برنامه‌های مشاوره‌ای و خدماتی ترویج، تمرکززدایی از فعالیت‌ها و تسهیل به‌کارگیری گروه‌های محلی و تشکل‌های غیردولتی را از مهم‌ترین رویکردهای ترویج کشاورزی در آینده می‌داند<sup>(۳۹)</sup>. شاه‌ولی و یوسفی‌نژاد<sup>(۴۰)</sup> نیز مشارکت را در آینده ترویج و آموزش کشاورزی مورد توجه می‌دانند.

### سازمان ترویج

ریورا آینده ترویج کشاورزی را در گروهی انتقادات شدید به بخش دولتی، و خصوصی سازی بر پایه جهانی شدن می‌داند که از اواسط دهه ۱۹۸۰ آغاز شده است. او خصوصی سازی در ترویج کشاورزی را فرصتی نهایی در شرایط جهانی برای آینده کشاورزی می‌داند و توسعه آن در جهان را لازم و ضروری قلمداد می‌کند<sup>(۴۱)</sup>. او معتقد است که ترویج کشاورزی در آینده باید به سمت خصوصی سازی بخش دولتی، تجدید ساختار و تمرکززدایی روی آورد، و خصوصی سازی را به خصوصی سازی بازرگانی، خصوصی سازی به شکل پرداخت هزینه و نظام‌های اعتباری، خصوصی سازی تدریجی و خصوصی سازی کند و آهسته تقسیم می‌کند<sup>(۴۲)</sup>. محمدرقی نیا و ظریفیان<sup>(۴۳)</sup> تجدید ساختار و خصوصی سازی در ترویج کشاورزی را لازم می‌دانند، و استفاده مطلوب از فنون ارتباطی را توصیه می‌کنند<sup>(۴۴)</sup>. قمر بر این باور است که خصوصی سازی به معنای تمرکززدایی از رویکردها و تحولاتی است که بر آموزش و ترویج کشاورزی وارد شده است<sup>(۴۵)</sup>.

در جای دیگر به ارتباطات و شناخت اطلاعات فنی، خصوصی سازی و سرمایه‌گذاری در این زمینه به عنوان مواردی یاد شده است که ترویج و آموزش کشاورزی در آینده باید به آن توجه نماید<sup>(۴۶)</sup>. برخی دیگر نیز خصوصی سازی، توسعه منابع انسانی و تجدید ساختار را از روندهای سازمانی ترویج و آموزش کشاورزی برمی‌شمرند<sup>(۴۷)</sup>.

به عقیده عده‌ای، تمرکززدایی در خدمات ترویجی و تجدید ساختار در برنامه‌ریزی‌ها و سازماندهی فعالیت‌های مشاوره‌ای و ترویجی از روندهای قرن بیست و یکم برای ترویج و آموزش کشاورزی به‌شمار می‌رود<sup>(۴۸)</sup>.

بنابراین، تمرکززدایی، با توجه به پایداری و بحران‌های زیست محیطی و تجدید ساختار، باید در جهت مشارکت هرچه بیشتر کشاورزان و گروه‌های آنها در برنامه‌های ترویج و آموزش کشاورزی لحاظ شود<sup>(۴۹)</sup>.

چسبی نیز معتقد است که تجدید ساختار در برنامه‌های ترویج براساس فنون ارتباطی باید در آینده مدنظر قرار گیرد<sup>(۵۰)</sup>، فالوی و ماتیوس نیز تجدیدساختار را مهم ارزیابی می‌کنند<sup>(۵۱)</sup>.

### نتیجه‌گیری

در این دنیای متغیر، ترویج کشاورزی نمی‌تواند نسبت به تغییر و تحولات بسیاری که در محیط پیرامونش می‌گذرد بی‌تفاوت باشد و به سادگی از آنها چشم‌پوشی کند. حداقل می‌توان گفت که برای توفیق ترویج در برنامه‌هایش، نه تنها نباید نسبت به این تغییرات بی‌توجه بود بلکه باید به‌طور جدی محیط و تغییرات گوناگون موجود را شناسایی کرد و با انتخاب راهبردهایی مناسب تغییرات یاد شده را در جهت اهداف وجودی ترویج به‌کار گرفت.

بررسی بیش از ۳۰ مقاله علمی و پژوهشی در مورد روندهای آتی ترویج نشان داد که اغلب صاحب‌نظران و محققان علم ترویج و علوم مربوطه بر این باورند که ترویج و آموزش کشاورزی برای تداوم حیات خود در آینده نه چندان دور باید راهبردها و روندهای تازه‌ای را در پیش گیرد.

همان‌گونه که در جدول ۱ دیده می‌شود، ترویج و آموزش کشاورزی در حیطه‌های مختلف، روندهایی را در آینده در پیش رو خواهد داشت. از نظر سازماندهی و تشکیلات باید خصوصی‌سازی، تجدید ساختار و تمرکززدایی صورت گیرد. ماهیت ترویج و آموزش کشاورزی باید ماهیتی آموزشی و ارتباطی-اطلاعاتی باشد و جهانی شدن، تجاری شدن، بهره‌وری کشاورزی، توانمندسازی و مهیاسازی کشاورزان و بهره‌برداران و تسهیل مشارکت گروه‌های محلی و تشکل‌های غیردولتی را هدف قرار دهد. ارباب‌رجوع را در ترویج و آموزش کشاورزی، گروه‌ها و تشکل‌های غیردولتی تشکیل می‌دهند و ابزار ترویج در این زمان شبکه‌های اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی است.

در کشور ما ایران نیز ترویج کشاورزی به منظور چالش با تغییرات آینده باید روندهایی را در پیش گیرد. به نظر می‌رسد در کشور ما باید تلفیقی از روندهای مذکور از جمله خصوصی‌سازی، به همراه تجدید ساختار و تمرکززدایی از ترویج دولتی مورد توجه قرار گیرد. بدین مفهوم که ترویج در بخش دولتی با تجدید ساختار و تمرکززدایی در نحوه ارائه خدمات خود، موجبات توجه هر چه بیشتر به کشاورزان فقیر و خرده‌مالکان و توانمندسازی آنها از طریق مشارکت در برنامه‌ها و خدمات ترویجی را فراهم آورد و بخش خصوصی ترویج (غیر دولتی) با ارائه خدمات ترویجی و مشاوره‌ای به کشاورزان بزرگ و مرفه موجب بهبود توسعه کشاورزی با توجه به مسائل زیست‌محیطی و پایداری آن گردد.

#### جدول ۱- نتایج حاصل از بررسی نظریات محققان در مورد ترویج و روندهای آتی آن

عناصر ترویج	روندها	محققان
اهداف ترویج	توانمندسازی، افزایش بهره‌وری، تسهیلگری و مهیاسازی، توجه بیشتر به پایداری محیط‌زیست	دشدر، ۱۹۹۰؛ فارینگتون، ۱۹۹۴؛ هاریمن و داگرتی، ۱۹۹۲؛ جونزو گارفورث، ۱۹۹۸؛ پیکوتو و آندرسون، ۱۹۹۷؛ کرکا، ۱۹۹۸؛ گارفورث و لورنس، ۱۹۹۹؛ کورنیش، ۲۰۰۰؛ استانسیل و پانیک، ۲۰۰۰؛ قمر، ۲۰۰۲؛ ویلت و همکاران، ۲۰۰۳؛ شاه‌ولی و یوسفی‌نژاد، ۱۳۷۹؛ شاه‌ولی و منفرد، ۱۳۸۰
گروه هدف	مشارکت گروه‌های محلی، توجه به تشکل‌های مردمی و غیر دولتی	فارینگتون، ۱۹۹۴؛ استانسیل و پانیک، ۲۰۰۰؛ کورنیش، ۲۰۰۰؛ شاه‌ولی و یوسفی‌نژاد، ۱۳۷۸؛ قمر، ۲۰۰۲
تمهیدات ترویج	ارتباطات و اطلاع‌رسانی، کسب اطلاع و آگاهی بیشتر در زمینه کشاورزی، جهانی شدن کشاورزی	هاریمن و همکاران، ۱۹۹۲؛ ریورا، ۱۹۹۷؛ شاه‌ولی و یوسفی‌نژاد، ۱۳۷۸؛ شاه‌ولی و منفرد، ۱۳۸۰

ریورا، ۱۹۹۲؛ چستی، ۱۹۹۲؛ جونزو گارفورث، ۱۹۹۸؛ ریورا، ۱۹۹۳؛ فارینگتون، ۱۹۹۴؛ کرکا، ۱۹۹۸؛ پیکوتو و آندرسون، ۱۹۹۷؛ بونال، ۱۹۹۸؛ گالاگر، ۲۰۰۲، وانسلی، ۲۰۰۲؛ گارفورث و لورنس، ۱۹۹۹؛ محمد قلی نیا و ظریفیان، ۱۳۷۷؛ فالوی و ماتیوس، ۱۹۹۹؛ مارش و پانل، ۱۹۹۹؛ شاه ولی و یوسفی نژاد، ۱۳۷۹؛ قمر، ۲۰۰۲؛ ویلت و همکاران، ۲۰۰۳	خصوصی سازی، تمرکززدایی، تجدید ساختار، تجدید حیات،	سازماندهی ترویج
فارینگتون، ۱۹۹۴؛ کورنیش، ۲۰۰۰؛ استانسیل و پانیک، ۲۰۰۰؛ شاه ولی و یوسفی نژاد، ۱۳۷۸؛ قمر، ۲۰۰۲	روش های مشارکتی، تقویت گروه های غیر رسمی محلی	روش های ترویجی

منبع: نگارندگان

#### یادداشت ها

1. descriptive research
2. meta-analysis
3. privatization
4. restructure
5. decentralization
6. Rivera, 1997
7. Antholt, 1993
8. Farrington, 1994
9. سلطانی، ۱۳۸۲
10. Farrington, 1994
11. ibid
12. Roling, 1982
13. training and visit
14. Roling, 1982
15. ibid
16. Dashler, 1990
17. Harriman and Daugherty, 1992
18. Farrington, 1994
19. Picciotto and Anderson, 1997



20. Kerka, 1998
21. Jones and Garforth, 1998
22. Garforth and Lawrence, 1999
23. Rivera, 1997
24. Feder et al., 1998
- ۲۵- شاه‌ولی و یوسفی‌نژاد، ۱۳۷۹
- ۲۶- شاه‌ولی و منفرد، ۱۳۸۰
27. Farrington, 1994
28. Rivera, 1997
29. Farrington, 1994
30. Stantiall and Panic, 2000
31. Cornish, 2000
- ۳۲- شاه‌ولی و یوسفی‌نژاد، ۱۳۷۹
33. Rivera, 1997
34. Harriman and Daugherty, 1992
- ۳۵- شاه‌ولی و یوسفی‌نژاد، ۱۳۷۹
- ۳۶- شاه‌ولی و منفرد، ۱۳۸۰
37. Marsh and Pannell, 1999
38. Rivera, 1997
39. Farrington, 1994
- ۴۰- شاه‌ولی و یوسفی‌نژاد، ۱۳۷۹
41. Rivera, 1993
42. Rivera, 1992
- ۴۳- محمدقلی‌نیا و ظریفیان، ۱۳۷۷
44. Neale et al., 2001
45. Qamar, 2002
46. Dashler, 1990
47. Marsh and Pannell, 1999
48. Bonnal, 1998
49. Willett et al., 2003

50. Chesney, 1992  
 51. Falvey and Matthews, 1999

### فهرست منابع

- سلطانی، غ. (۱۳۸۲). *جزوه درسی اقتصاد ترویج کشاورزی*. دوره دکترای ترویج و آموزش کشاورزی. شیراز: دانشگاه شیراز، دانشکده کشاورزی.
- شاهولی، م. و منفرد، ن. (۱۳۸۰). *رهیافت مهیاسازی ترویج کشاورزی برای توسعه انسانی در قرن ۲۱*. شیراز: دانشگاه شیراز، دانشکده کشاورزی، بخش ترویج و آموزش کشاورزی.
- شاهولی، م. و یوسفی‌نژاد، م. (۱۳۷۹). *رویکردهای ترویج، آموزش و تحقیقات در قرن ۲۱*. تهران: مؤسسه توسعه روستایی.
- محمدقلی‌نیا، ج. و ظریفیان، ش. (۱۳۷۷). «کنکاشی در روند تکامل ترویج و آموزش کشاورزی با تأکید بر مأموریت‌های آینده». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*. ش ۲۲، صص ۸۹-۱۲۳.
- Antholt, C.H. (1993), "Agriculture extension in Asia: Institutional modernization for the 21<sup>st</sup> century". In *The Australia-Pacific Extension Conference*. Queensland: University of Southern Queensland.
- Bonnal, J. (1998). *Challenges to Decentralization of Agricultural Extension*. Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- Chesney, C. E. (1992), "Work force 2000: Is extension agriculture ready"? *Journal of Extension*. Vol. 30 , No. 2, pp. 45-60
- Cornish, J. (2000), "The future for extension, a South Australian government perspective". *National Forum of Creating a Climate for Change: Extension in Australasia, Australasia-Pacific Extension Network*. Melbourne: Melbourne Convention Centre, 26-27 October 2000.
- Dashler, J. D. (1990), "Community risks: Extension's future role". *Journal of Extension*. Vol. 28, No. 2, pp. 30-45
- Falvey, L. and Matthews, B. (1999), "Revitalizing agricultural extension". A report for the Rural Industries Research and Development Corporation. University of Melbourne. available in [http:// www.rirdc.gov.au](http://www.rirdc.gov.au).

- Farrington, J. (1994), "Public sector agricultural extension: Is there life after structural adjustment"? Natural Resource Perspectives. No. 2, available in <http://www.odi.org.uk/nrp/odi-agri2.html>.
- Feder, G.; Willett, A. and Zijp, W. (1998), *Agricultural Extension, Generic Challenges and Some Ingredients for Solutions*. Washington, D.C.: World Bank press, pp. 1-32.
- Gallagher (2002), *Agriculture Extension Toward Globalization*. Paper 226, Washington, D.C.: World Bank.
- Garforth, C. and Lawrence, A. (1999), "Points of view of agricultural extension". ODI Natural Resources Perspective. No. 21, available in <http://www.new-agri.co.uk/99-4/pov.html>.
- Harriman, L. C. and Daugherty, R. A. (1992), "Staffing extension for the 21st century". *Journal of Extension*. vol. 30, No. 4, pp. 24-46.
- Jones, G. E. and Garforth, C. (1998), "The history, development, and future of agricultural extension". (chapter 1). in B. E. Swanson.; R. P. Bentz.& A. J. Sofranko, (eds.), *Improving Agricultural Extension*. A reference manual, Rome: FAO, p. 220.
- Kerka, S. (1998), "Extension today and tomorrow, trends and issues alert". Eric Educational Resources Information Centre. Available in <http://ericacve.org/docgen.asp?tbl=tia&ID=121>.
- Marsh, S. and Pannell, D. (1999), "Agricultural extension-a decade of change. A summary of RIRDC 's full research report agricultural extension in Australia: The changing roles of public and private sector". No. 66, available in <http://www.rirdc.gov.au/pub/shortreps/sr66.html>.
- Neale, T.; Nolan, S. and Lucy, M. (2001), "Accredited training in agriculture: A refreshed approach to extension or just more exams"? *International Conference of Exploring Beyond the Boundaries of Extension Australasia-Pacific Extension Network*. Toowoomba, Queensland: University of Southern Queensland, 3-5 October 2001.

- Picciotto, R. and Anderson, J. R. (1997), "Reconsidering agricultural extension". *The World Bank Research Observer*. vol. 12, No. 2, pp. 249-259.
- Qamar, M. K. (2002). *Global Trends in Agricultural Extension: Challenges Facing Asia and the Pacific Region*. Rome: FAO, Sustainable Development Department (SD).
- Rivera, W. M. (1997), "Agricultural extension into the next decade". *European Journal of Agricultural Education and Extension*. Vol. 4, No. 1, pp. 29-38.
- \_\_\_\_\_. (1992), "Global trends in extension privatization". *Journal of Extension*. Vol. 30, No. 3, pp. 35-60
- \_\_\_\_\_. (1993). "Impacts of extension privatization". *Journal of Extension*. Vol. 31, No. 3, pp. 31-38.
- Roling, N. (1982). "Alternative approach in agricultural extension". *Agriculture Progress Journal*. Vol. 22, No. 1, pp. 20-36.
- Stantiall, J. and Painc, M. (2000), "Agricultural extension in New Zealand - implications for Australia. National forum of creating a climate for change: extension in Australia Asia Pacific". *Australia Asia-Pacific Extension Network*. Melbourne: Melbourne Convention Centre, 26-27 October 2002.
- Vanclay, F. (2002), "Social considerations for the future of agricultural extension". *The Journal of the Australian Association of Natural Resource Management*. Vol. 5, No. 2, pp. 2-6.
- Willett, A.; Zijp, W. and Feder, G. (2003), *Agricultural Extension: Generic Challenges and Some Ingredients for Solutions*. Washington, D.C.: World Bank, working papers no 2129.